

بررسی ابزارها، آداب، زمینه‌ها و تکنیک‌های

تبلیغ در فرهنگ رضوی

دریافت: ۱۳۹۵/۸/۴ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲
سیاوش یاری^۱، مهدی اکبرنژاد^۲، پیمان صالحی^۳

چکیده

در آیین اسلام تبلیغ جایگاه برجسته و ممتازی دارد. علاوه بر قرآن کریم، سیره ائمه اطهار(علیهم‌السلام) نیز به‌عنوان تکیه‌گاه جبهه توحید، مشحون از روش‌ها و تجربه‌های دعوت و ترویج دین الهی است. در همین راستا و با نظر داشت این واقعیت که مخاطب روایات اهل بیت(علیهم‌السلام) تمام مردمان در همه اعصار هستند، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع متعدّد و معتبر روایی، مهم‌ترین ابزارها، آداب، زمینه‌ها و تکنیک‌های تبلیغ را در فرهنگ رضوی بررسی کرده است. نتایج بیانگر آن است که حضرت رضا(علیه‌السلام) از اهرم ولایت‌عهدی و شرکت در جلسات مناظره‌ای، بیشترین بهره را برای ترویج و نشر فرهنگ اصیل اسلامی برده‌اند. از جمله ویژگی‌های برجسته پارادایم تبلیغ رضوی این بود که همواره به سطح استعداد و میزان عقل مخاطب توجه داشت و متناسب با حال و درک او، پیام‌های خویش را تعدیل و مبلّغان خود را نیز به این امر سفارش می‌فرمود. علاوه بر تبلیغ تشیّع اعتقادی و تلاش برای بیداری اسلامی، در بخش فرهنگی، تبلیغ آن حضرت بر روی پرورش نخبگان فرهنگی، مقابله با اصطکاک فرهنگی میان جهان اسلام و غرب و نیز ترویج سبک زندگی اسلامی متمرکز بود.

کلیدواژه‌ها:

امام‌رضا(علیه‌السلام)، مناظره، توحید، امامت، تبلیغ.

۱. دانشیار گروه تاریخ تشیع دانشگاه ایلام: S.yari@ilam.ac.ir
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام: M.akbarnezhad@ilam.ac.ir
۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه ایلام(نویسنده مسئول): Salehi@ilam.ac.ir

۱- کلیات

۱-۱ مقدمه

تبلیغ، در اسلام به‌عنوان کامل‌ترین شریعت آسمانی جایگاه برجسته و ممتازی را داراست؛ به‌نحوی که قرآن کریم، ارشاد یک نفر را برابر با هدایت تمامی مردمان قرار داده است. فضیل‌بن‌یسار از امام باقر(علیه‌السلام) پرسید: «این عبارت خداوند: «وَمَنْ أَحْيَاهَا كَمَنْ أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً» چه معنایی دارد؟ حضرت فرمود: منظور کسی است که انسانی را از سوختن و غرق‌شدن نجات دهد. عرضه کرد: آیا شامل کسی هم می‌شود که انسانی را از ضلالتی نجات دهد و به راه راست هدایت کند؟ فرمود: این بزرگترین تأویل برای آن است.» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۱۰).

چنین جایگاه شریفی، در طول تاریخ، انسان‌های بزرگی را به سوی خویش فراخوانده و آنان عاشقانه تمام عمر خود را صرف روشن نگه‌داشتن چراغ هدایت الهی کردند تا کاروان‌های دل‌های مستعد را به سرمنزل توحید برسانند. علاوه بر قرآن کریم، سیره ائمه اطهار(علیهم‌السلام) نیز به‌عنوان تکیه‌گاه جبهه توحید، مشحون از روش‌ها و تجربه‌های دعوت و ترویج دین الهی است. دوره امامت علی‌بن‌موسی‌الرضا(علیهم‌السلام) به‌عنوان یکی از ارزنده‌ترین ادوار حضور امامان معصوم(علیهم‌السلام) دارای شرایط خاصی بود که طی آن، فرصتی برای امام شیعه فراهم آمد که مانند آن را می‌توان در دوران پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امیرمؤمنان(علیه‌السلام) یافت و به‌دلیل تعامل دوستداران پاک و خالص اهل بیت(علیهم‌السلام) در خطه خراسان با امام معصوم(علیه‌السلام) دارای نکاتی برجسته و ممتاز در واکاوی رفتار تبلیغی آن حضرت است. امام علی‌بن‌موسی‌الرضا(علیهما‌السلام) نیز همچون سایر ائمه اطهار(علیهم‌السلام) در موقعیت‌های گوناگون از حیات پربار خویش به نشر معارف دینی و آموزه‌های وحیانی پرداخته است. بخش قابل توجهی از این تعالیم در احادیث احتجاجی آن حضرت انعکاس یافته است که شامل معارف ناب توحیدی در باب وجود خداوند و اوصاف و افعال اوست. امام(علیه‌السلام) به اقتضای زمان و مکان بیان حدیث و

وضعیت فکری و روحی مخاطب با بهره‌گیری از اصول و قواعد عقلی، معارف الهی و توحیدی را در چهره‌ای عقل‌پذیر عرضه کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که مخاطب حقیقت‌جوی به‌راحتی آن را تصدیق می‌کند. با توجه به این واقعیت که مخاطب روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) تمام مردمان در تمام اعصار هستند، آگاهی از ابزارها و تکنیک‌های تبلیغی آن حضرات (علیهم‌السلام) به مبلغان این فرصت را خواهد داد تا ضمن هدایت جامعه اسلامی به سمت سعادت حقیقی، مانع ورود افکار دین‌ستیز شوند.

۱-۲ معنای لغوی و اصطلاحی تبلیغ

واژه تبلیغ از «بلاغ» گرفته شده و بلاغ و بلوغ به معنای رسیدن به انتهای مقصود است؛ خواه زمانی باشد یا مکانی یا امری از امور معین دیگر: «بَلَّغَ الشَّيْءُ يَبْلُغُ بُلُوغًا وَبِلَاغًا»؛ یعنی «وصل و انتهی» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۴۸۰). معنای کفایت و بسندگی نیز در بلوغ نهفته است: «بلاغ و تبلیغ ای الکفایة» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۴۲۲). این کلمه ۲۷ بار در قرآن کریم استفاده شده است. به‌عنوان نمونه، (نک: یوسف/۲۲؛ نور/۵۹؛ صافات/۱۰۲؛ احقاف/۱۵؛ احزاب/۱۰ و...) و در اصطلاح عبارت است از «رساندن پیام به دیگری به‌منظور اقناع و ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او و بر سه عنصر اصلی: پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده و پیام‌استوار است.» (رهبر، ۱۳۹۳: ۸۰).

۱-۳ بیان مسئله و ضرورت تحقیق

در جهان امروز که بحران‌های فرهنگی غرب با انواع وسایل ارتباطی همچون ماهواره، ویدئو، اینترنت و... همچنین تبلیغات وسیع و گسترده و هابیت و جریان‌های سلفی-تکفیری، فرهنگ و مبانی دین اسلام به‌ویژه فرهنگ اصیل تشیع را آماج حملات خویش قرار داده‌اند و در صدد از بین‌بردن عواطف و معنویت‌زدایی هستند، مراجعه به سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به‌ویژه فرهنگ رضوی، برعهده تمامی

شیعیان و به خصوص مبلغان دینی است تا با این تهاجم گسترده فرهنگی مقابله شود. در همین راستا، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع متعدد و معتبر روایی، تلاش کرده است مهم‌ترین ابزارها، آداب، زمینه‌ها و تکنیک‌های تبلیغی را در فرهنگ رضوی بررسی کند و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مهم‌ترین فرصت‌ها و ابزارهای تبلیغ امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) چه مواردی بوده است؟

۲. برجسته‌ترین آداب تبلیغ رضوی چه مواردی را شامل است؟

۳. امام رضا (علیه السلام) در موضوع تبلیغ بر چه زمینه‌ها و عرصه‌هایی تمرکز داشته‌اند؟

۴-۱ پیشینه پژوهش

بی‌شک، پژوهش‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون تاریخی، اجتماعی، اعتقادی و... بر روی فرهنگ رضوی صورت گرفته است که حتی اشاره‌ای گذرا به همه آنها، در این مجال نمی‌گنجد. با این حال، به برخی از آنها که جنبه تبلیغ‌شناسی دارد، اشاره می‌شود:

سپنجی و مؤمن‌دوست (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «اقتناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم (علیهم السلام)» به بررسی راهکارهای اقتناع‌پروان دیگر ادیان و نیز برخی از فرق اسلامی توسط امام رضا (علیه السلام) با محوریت مناظرات آن حضرت پرداخته‌اند.

مجیدی (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (علیه السلام)» ضمن بررسی مناظرات رضوی با تمرکز بر مقوله واژگان، چشم‌انداز، استعاره، انسجام تاریخی و... نتیجه گرفته است که امام (علیه السلام) برای اثبات حقانیت خویش و ابطال

ادعاهای طرف‌های مناظره، از منازعه اخلاق‌گریزِ گفتمانی پرهیز می‌کرد.

شاهرودی و رودی (۱۳۹۴) در مقاله «برهان‌های اثبات وجود خدا در مناظره‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) در مرو» با توجه به مناظرات رضوی، انواع برهان‌های حدوث، حرکت، نظم، امکان و وجوب و صدیقین در اثبات وجود خداوند را بررسی کرده است.

شمسی و جوارشکیان (۱۳۹۵) در مقاله «تصویر آفرینش در مناظره عمران صابی با امام‌رضا(علیه‌السلام)» و خادمی و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «راهبردهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره رضوی با تأکید بر مناظرات و احتجاجات» مناظرات را از زوایای ویژه‌ای بررسی کرده‌اند اما بر اساس مطالعات نظام‌مند، تاکنون پژوهشی به‌صورت منسجم، نحوه تبلیغ رضوی را بررسی نکرده است.

۲. فرصت‌ها و ابزارهای تبلیغ رضوی

برخی از فرصت‌ها و ابزارهای مهمی که امام‌رضا(علیه‌السلام) به کمک آنها به ترویج و نشر فرهنگ اصیل اسلامی پرداخت، عبارتند از:

۲-۱ استفاده از فرصت مساعد پس از شهادت امام موسی کاظم (علیه‌السلام)

امام‌رضا(علیه‌السلام) ده سال اول امامت خویش را در روزگار هارون سپری کرد. هارون به‌دلیل ترس از پیامدهای شهادت امام موسی کاظم(علیه‌السلام) از فشار سیاسی و اجتماعی علیه امام کاست. البته در این دوران، تلاش و حرکت امام(علیه‌السلام) و ارتباط آن حضرت با مردم، در نهایت تقیّه بود(لیثی، ۱۳۸۴: ۴۸). اقدام‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) در مدینه بیشتر بر روی نشر فرهنگ اسلامی و پرورش شیعیان روشن‌گر متمرکز بود؛ بدین ترتیب که امام علاوه بر تبیین و تشریح اصل توحید، بر

مسئله بنیادین ولایت تأکید ورزید (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۸۶؛ مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۹۳؛ فضل الله، ۱۳۸۲، ج ۴: ۵۱). امام بر همه حاکمیت‌های غیر الهی خط بطلان کشید و فلسفه حاکمیت اسلام را اعتلای کلمه حق دانست که این امر تنها در پرتو ولایت امکان‌پذیر است.

۲-۲ استفاده از مقام ولایتعهدی

دوران ولایتعهدی امام رضا (علیه‌السلام) در مرو یکی از درخشان‌ترین دوران‌ها برای شیعیان بوده است زیرا اگرچه مردم سرزمین‌های غیرعربی و از جمله خراسان، دوردور از مرام و مکتب تشیع چیزهایی شنیده بودند و به ائمه (علیهم‌السلام) عشق می‌ورزیدند، اما با محتوا و حقیقت این مکتب آشنایی چندانی نداشتند. بنابراین، حال که امام (علیه‌السلام) ناخواسته به مرو آمده بود و همین‌طور از لحاظ سلسله‌مراتب حکومتی، پس از خلیفه مهم‌ترین مقام شمرده می‌شد، سخنانش تا حدود زیادی شنونده پیدا کرده بود. لذا از این فرصت، با فراست تمام، بهره‌ها برد و به‌جای اینکه کارگزار حکومت شمرده شود، خود را به‌عنوان کارگزار دین و مبلغ مکتب تشیع شناساند. امام رضا (علیه‌السلام) با درایت و پرهیزکاری خویش، با وجود کنترل شدید مأمون، فضای مطهری را برای ترویج و نشر فرهنگ اصیل اسلامی به‌وجود آورد.

۲-۳ شرکت در جلسات مناظره‌ای

فرصت ارزشمند دیگری که امام از آن بیشترین بهره را در شناساندن اسلام شیعی و همین‌طور توان علمی خود استفاده کردند، مناظره‌های ایشان با اندیشمندان مکاتب مختلف اسلامی و غیراسلامی بود. مأمون که غرضی جز تحقیر و شکستن مقام علمی و مذهبی امام رضا (علیه‌السلام) نداشت، بارها مجالسی ترتیب داد تا شخصیت دینی و علمی امام (علیه‌السلام) را در نظر پیروان و مکاتب دیگر تخریب کند؛ اما

امام(علیه السلام) با هوشیاری و اغتنام فرصت، این طرح مأمون را خنثی کردند زیرا موضعگیری آن حضرت پیرامون توحید و امامت، در سطح بالای جامعه منتشر شد و به گوش همگان رسید. بخش قابل توجهی از سیره علی بن موسی الرضا(علیهما السلام) به رویارویی آن حضرت با رهبران دینی و عالمان فرقه‌ها و مذاهب مختلف در عصر مأمون مربوط می‌شود و چنانچه درست فهمیده شود، می‌تواند برای جامعه دینی و اسلامی به الگوی برتر در جهت تبیین مفاهیم دینی تبدیل شود زیرا چنین مجالس بحث و مناظره‌ای، میدان مناسبی برای نشر و تبلیغ فرهنگ ناب محمدی و در رأس آن توحید نظری و نیز تبلور چهره اصلی امامت بود.

۲-۴ استفاده از رسانه شعر

یکی از ابزارهای تبلیغاتی برای انتقال مفاهیم تربیتی، استفاده از زبان شعر است که می‌توان از آن به «رسانه شعر» نیز تعبیر کرد. مطالعه کتب روایی و تاریخی نشان می‌دهد برخی از شاعران دوستدار اهل بیت(علیهم السلام) در حضور امام رضا(علیه السلام) اشعاری را در رثا و ستایش امامان معصوم(علیهم السلام) می‌خواندند. آن حضرت(علیه السلام) اغلب در مواجهه با چنین اشعاری، ضمن ابراز احساسات و گریه بر مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) سراینده را مورد تفقد مادی و معنوی قرار می‌داد و گاهی نیز ابیاتی بر آنها می‌افزود و بدین ترتیب، این رسانه تبلیغاتی را ماندگار و راویان را بر روایت این وقایع تحریک و تحریض می‌نمود.

۲-۵ استفاده از زبان دعا

یکی از راه‌های انتقال مفاهیم و بازسازی درونی، زبان دعاست که دارای تأثیرهای تربیتی فراوانی است. دعا هر چند ارتباط مخلوق با خالق است، زمینه‌ای برای ارتباط با مردم نیز می‌تواند باشد. دعاهای ائمه اطهار(علیهم السلام) پنجره‌ای است به سوی

معارف ناب که بر روی مخاطبان گشوده شده است. حضرت رضا(علیه‌السلام) هنگام قرار گرفتن در شرایطی که نمی‌توانست به‌طور مستقیم پیام خود را به گیرنده برساند، از این شیوه انتقال پیام بهره می‌برد. به‌عنوان نمونه، استفاده مکرر از دعا توسط امام(علیه‌السلام) با جزئیات آن در ذهن رجاء بن‌ضحاک که همراه ایشان در سفر مرو بود، باقی ماند و آن را به‌عنوان گزارش به خلیفه تقدیم کرد(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸۰). نکته مهم هنگامی است که امام(علیه‌السلام) در موضع تهمت‌های ناروا قرار می‌گیرد و دست تضرع به سوی خدا برداشته، از این رفتار به خدا شکایت می‌کند. گویا ایشان می‌خواهد با حفظ آرامش، پاسخ تهمت را نیز بدون اینکه اصطکاک بی‌وجود آید، بدهند. نمونه این بحث را می‌توان در تهمت برادرش عباس بن موسی در مقابل قاضی مدینه(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸۰) و شبیه شایعه بندگی مردم در قبال امام(علیه‌السلام) دید(همان: ۱۸۳).

۳. آداب تبلیغ رضوی

امام هشتم شیعیان(علیه‌السلام) در راه نشر معارف الهی و دفاع از مکتب تشیع، سیره و آداب ویژه‌ای داشتند که برخی از آنها عبارتند از:

۳-۱ مخاطب‌شناسی

گام اول و اساسی در موفقیت یک مبلغ، مخاطب‌شناسی است که از شاخص‌های مهم الگوی رفتار ارتباطی در سیره رضوی به‌شمار می‌آید. بر همین اساس، مشاهده می‌شود که امام رضا(علیه‌السلام) در مناظره با یحیی بن‌ضحاک و دیگر علمای عامه در مجلس مأمون، استدلال‌های عمیق و پیچیده‌ای در اثبات عدم حقانیت خلافت خلیفه اول ارائه فرمودند؛ اما در موارد دیگر با درک صحیح استعداد و توان مناظره‌کنندگان و در نظر گرفتن فضای فکری و فرهنگی حاکم بر آنان، هیچ‌گاه وارد مباحث پیچیده

علمی نشدند و با ظرافت، معضلات فکری و مشکلات عقیدتی آنها را پاسخ می دادند؛ چنان که در احتجاج با عبدالعزیز بن مسلم و موارد دیگر، از برهان های ساده تری به تناسب سطح فکری مخاطب خویش استفاده کردند (نک: طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۴۰-۴۳۳). آن حضرت التزام به این اصل را به مبلغان خویش نیز گوشزد می کردند. به عنوان نمونه به یونس بن عبدالرحمن فرمودند: «ای یونس! با مردم درباره آموزه های آشنا سخن بگو و آنچه را نمی دانند رها کن.» (کشی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۸۷).

«هرچه اجزای عناصر انسانی ارتباط، یعنی منبع و گیرنده، تشابه بیشتری داشته باشد؛ ارتباط، موفق تر است. این اجزا عبارتند از: مهارت های ارتباطی، نگرش ها، سطح دانش و موقعیت فرد در سیستم اجتماعی - فرهنگی. همچنین داشتن تجربه دینی مشترک در ارتباطات میان فردی نیز در راستی افزایش تشابه، قابلیت طرح را دارد.» (برکو، ۱۳۷۸: ۱۵۸-۱۶۲). بازخوانی مناظره های امام (علیه السلام) نشان می دهد ایشان در مواردی، کمترین تشابه ممکن را با طرف مناظره کننده داشته اند. به نظر می رسد دلیل برقراری ارتباط هایی با صحت بالا توسط ایشان، به توان مخاطب شناسی حضرت (علیه السلام) مربوط می شود که متناسب حال و درک مخاطب، پیام های خویش را تعدیل می کردند.

۳-۲ اعطای آزادی عقیده

از جمله ویژگی های برجسته پارادایم تبلیغ رضوی، آزادی نسبی عقیده و به تبع آن، بروز آرای گوناگون در اثر حضور عالمان غیر مسلمان است. این مسئله در جلسات مناظره ای، نمود بارزی یافت. توجه خاص امام رضا (علیه السلام) به اصل آزادی انسان در ساحت عقیده، از عوامل اصلی رونق مباحث عقیدتی در عصر رضوی است. روایات متعددی که از مناظرات آن حضرت وارد شده است، بر پابندی عملی آن بزرگوار بر این نوع آزادی، صخه می گذارد. برای نمونه، امام در ابتدای یکی از مناظرات فرمود: «شیعیان ما را دعوت کنید. جاثلیق مسیحی و رأس الجالوت یهودی را نیز فرا بخوانید

و از آنان بخواهید که هر چه می‌خواهند در این جلسه از من پرسند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۷۲). آن حضرت در مناظره با هر یک از آن دو (جائلیق و رأس‌الجالتوت) دو بار به آنها اجازه دادند تا عقاید خویش را آزادانه ابراز کنند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۳-۱۰۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۷؛ عطاردی، ۱۳۷۹: ۹۳).

۳-۳ استناد فراوان به آیات قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم‌السلام) و متون مقدّس دیگر ادیان

یکی از روش‌های تبلیغی امام (علیه‌السلام) به‌ویژه در رویارویی با فِرَق و نَحَل اسلامی، رجوع به قرآن کریم به‌ویژه استناد بجا و مناسب به محکّمات آن است که جای هر گونه عذر و بهانه‌ای را می‌گرفت (نک: اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۳۱۰؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۴۲۱-۴۲۲؛ ابن سلامه، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۳۲۴). افزون بر اینها، امام‌رضا (علیه‌السلام) در تبلیغ خویش، اغلب به حدیثی از سایر معصومان (علیهم‌السلام) استناد می‌فرمود و با این اقدام؛ یعنی با حفظ سلسله سند از امامان قبل از خود تا علی (علیه‌السلام) و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، تشیّع اعتقادی را تأیید می‌کرد.

با توجه به اینکه مناظرات دینی با پیروان سایر ادیان جنبه تبلیغی دارد، انصاف حکم می‌کند که مناظره‌کننده برای اثبات حقانیت خویش، به کتاب مقدّس و مورد اعتقاد طرف مقابل استناد کند. امام‌رضا (علیه‌السلام) در این زمینه فرمودند: «منصف‌ترین مردم کسی است که با خصمش با آیین، کتاب و شریعت طرف مقابل، محاجّه کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۹: ۸۰). بنابراین، آن حضرت در مناظراتی که با پیروان سایر ادیان داشت، به متون مقدّس آنان استناد می‌فرمود (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۴؛ مفید، بی‌تا، ج ۲: ۲۵۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۳۲۰).

۴. زمینه‌های تبلیغ رضوی

به استناد ابزارها و فرصت‌هایی که برای امام‌رضا(علیه‌السلام) مهیا شد، تبلیغ آن حضرت در چند زمینه قابل تقسیم‌بندی است. از جمله:

۴-۱-۴ تبلیغات اعتقادی رضوی

۴-۱-۴-۱ ارائه برهان در اثبات وحدانیت خداوند متعال

مسائل مربوط به وجود خداوند سبحان و یگانگی او، از جمله مباحث مهم هستی‌شناسی است. اثبات این اصل، رسالت اصلی پیامبران الهی بوده است و اوصیای الهی نیز در تبیین آن تلاش کرده‌اند. از آنجاکه امام‌رضا(علیه‌السلام) در فضای متشنج کلامی و بروز اندیشه‌های فرقه‌ای حضور داشتند، در این مسیر برای هدایت و ارشاد مسلمانان، بیانات ارزشمندی را مطرح کرده‌اند که نقطه‌عطفی در زدودن شبهات وارده بر مسئله توحید است. آن حضرت در مناظره با یکی از مخالفان توحید به نام عمران صابی، با توسل به چشمه جوشان الهی، زوایای به‌ظاهر مبهم آن را آشکار کردند. در بخشی از پاسخ آن حضرت به سؤال عمران درباره اول موجود و آنچه خلق کرده، چنین آمده است: «خداوند یگانه از ازل بی‌همتا بوده، چیزی با او نبوده، حدود و اعراض راهی به او نداشته و همواره چنین بوده است. پس مخلوقات را به طور ابداعی با اعراض و حدود مختلف خلق نمود. این خلقت ابداعی را نه در چیزی به پا داشت و نه محدود به چیزی کرد. نه بر چیزی مقابل نمود و نه با چیزی مشابه و نه طرح و نقشه‌ای قبلاً در جهان بود تا مثل آن بیافریند...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶۹-۱۷۰). در این مناظره، آن حضرت به پرسش‌های مختلف عمران صابی درباره صفات و حالات خداوند پاسخ داده‌اند که به علت طولانی‌بودن مناظره و اینکه در بخش سبک‌شناسی تبلیغ رضوی به صورت مفصل به آن پرداخته شده است، در اینجا به همین مقدار توضیح بسنده می‌شود. شایان ذکر است، پاسخ‌های امام چنان عمران صابی را قانع کرد که به

دین اسلام گروید و از کارگزاران آن حضرت گردید.

علاوه بر این مناظره، آن حضرت درباره ضرورت خداشناسی و ابزارهای دستیابی به آن، خطبه‌ای طولانی دارد که اینگونه آغاز می‌شود: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ تَعَالَى مَعْرِفَتُهُ وَأَوَّلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَوْحِيدُهُ وَنِظَامُ تَوْحِيدِ اللَّهِ تَعَالَى نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ وَ...» (سرآغاز عبادت، خداشناسی است و اساس معرفت و شناخت خداوند، توحید و یگانگی اوست و اساس شناخت خدا، نفی صفات از اوست...) (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ۱۴۹: ۱۵۳). از جمله نکات شایان تذکر در فراز مذکور این است که مقصود از کلمه اول، «آغاز» محض نیست؛ بلکه منظور، بنیاد نخستین و اساسی است. از آنجاکه هیچ روش و گرایشی مانند دین نمی‌تواند پاسخگوی معماهای زندگی باشد، اساس و بنیاد دین، خداشناسی است.

۴-۱-۲ تبیین جایگاه امامت (تشیع اعتقادی)

یکی از دستاوردهایی که امام‌رضا (علیه‌السلام) در پوشش ظاهری ولایتعهدی به آن نایل آمدند، تبلیغ و تشریح جایگاه امامت در میان مردم بود. «روشی که امام‌رضا (علیه‌السلام) برای حفظ اندیشه شیعه به کار گرفت و با اندیشه‌های انحرافی مبارزه نمود، هم مطرح کردن اندیشه امامت و هم خاموش کردن فتنه‌های ایجادشده برای امامت و اندیشه تشیع بود و چنین روش تبلیغی در طول تاریخ، نظیر ندارد» (جرجی زیدان، ۱۳۸۶، ج ۳: ۳۱۲). امام‌رضا (علیه‌السلام) در مرو در پی حکم ولایتعهدی خطبه کوتاهی ایراد کرد. ایشان بعد از حمد و ثنای خداوند متعال فرمود: «همانا ما را به واسطه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر شما حقی است و شما نیز به همان سبب بر ما حقی دارید. پس هرگاه حق ما را ادا کردید بر ما نیز واجب است که حق شما را بدهیم.» (اصفهانی، بی‌تا: ۵۶۴)؛ بنابراین ایشان در اولین قدم، بحث محوری امامت را مطرح نمود و به همگان این جایگاه عظیم را نشان داد؛ چراکه یکی از مسائل مهم در دوران امامان (علیهم‌السلام) ادعای امامت و دعوت به پذیرش آن است.

همچنین امام(علیه‌السلام) در روایت مفصل دیگری با ادله فراوان قرآنی و عقلی در اثبات صفات و برتری امامان(علیهم‌السلام) بر دیگران تأکید فرموده‌اند(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۴۵-۴۵۸). از این روایت مفصل می‌توان چنین نتیجه گرفت که تکیه اصلی امام‌رضا(علیه‌السلام) در مرو، بر اثبات فضیلت و صفات امامت با آیات قرآن و دلایل محکم عقلی متمرکز است؛ هر چند در مدینه مباحث امامت بیشتر به صورت اعتقادی و روایی مطرح می‌شد؛ در نتیجه، به یقین می‌توان گفت که دوران امام‌رضا(علیه‌السلام) از لحاظ گسترش مفهوم امامت میان عموم مردم اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا تا پیش از آن، طرح چنین مسائلی تنها توسط خواص و در محافل علمی مطرح می‌شد اما آن حضرت، نقش حساسی را در طرح چنین مفاهیمی در میان عامه مردم ایفا نمودند. شرفیاب شدن مردم نیشابور به محضر امام هشتم(علیه‌السلام) و شنیدن حدیث ناب «سلسله‌الذهب» که به جهت مسلسل‌وار بودن آن از ائمه اطهار(علیهم‌السلام) تا پیامبر اعظم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به این نام معروف شده است، اصلی‌ترین پایه توحید را اقرار به امامت خویش که به معنای پذیرش امامت سایر امامان(علیهم‌السلام) نیز هست، قرار داد و همین امر، تأثیر بسیار شگرفی در گسترش تشیع و تعمیق ریشه‌های آن در جان ایرانیان داشت. «این مسئله که امامت حقّ علویان است، از نکاتی است که ولایتعهدی امام(علیه‌السلام) و حرکت تبلیغی ایشان در توضیح معنای امامت، تأثیر منحصر به فردی داشته است.»(جعفریان، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۰۵).

ارتباط تمامی شیعیان ناحیه خراسان با امام(علیه‌السلام) و نگارش نامه‌هایی به آن حضرت و طرح سؤال و گرفتن پاسخ نیز از زمینه‌های مساعد برای تبلیغ امامت بوده است. «مجموعه نامه‌هایی که امام(علیه‌السلام) برای تشریح مبانی تشیع به افراد گوناگون می‌نوشتند در گسترش تفکر شیعی و استحکام پایه‌های اعتقادی در ایران بسیار اثر گذاشت.»(جعفریان، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۶۰). نامه‌هایی با موضوع تبیین جایگاه اهل بیت در کتاب و سنت(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳: ۳۳۶)، توضیح مصداق شیعه(حمیری، بی‌تا: ۲۰۴-۲۰۶)، معنای اولی‌الأمر(عیاشی، بی‌تا، ج ۱: ۳۶۰) و...

حضور سه ساله امام(علیه‌السلام) در خراسان برای ایرانیان، تأثیرات شگرفی در گرایش

و نگرش فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی مردمان این مرز و بوم داشته و ایران را به کانون اصلی تشیع تبدیل کرده است زیرا علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) با ورود خویش، امامت را برای این خطه عینیت بخشید و آن را قابل دسترس و ملموس گردانید.

۴-۱-۲-۱-۱ گفتمان مهدویت و موانع موجود

امام رضا (علیه السلام) با پذیرش ولایتعهدی یک حرکت عظیم تبلیغی به راه می‌اندازد که پس از شهادت امام علی (علیه السلام) در تاریخ ائمه اطهار (علیهم السلام) بی‌نظیر بوده و آن، اعلام گفتمان مهدویت و رساندن این موضوع به گوش همه مسلمانان در اقصی نقاط جهان است. ایشان با استفاده از تریبونی که خلافت در اختیار او قرار داده بود، موضعگیری‌هایی را که ده‌ها سال بود جز به تقیه بیان نشده بود، با صدای بلند و رسا اعلام کرد. امام (علیه السلام) در مرو نیز همچون مدینه از اعتقادات خاص شیعیان پیرامون امام مهدی (عج) با دلایل قرآنی، روایی و عقلی اما در حدی وسیع‌تر دفاع می‌کرد. حدود چهل حدیث از امام رضا (علیه السلام) درباره امام زمان (عج) وارد شده و در آنها تقریباً تمامی مسائل مربوط به آن حضرت (عج) و حوادث عصر ایشان بیان شده است. مسائلی مانند: اسم و نسب آن حضرت (عج)، توان جسمی ایشان، منتسب بودن آن امام به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، غیبت امام، فضیلت انتظار فرج و منتظران او و... این احادیث از قرن سوم به بعد توسط عالمان برجسته حدیث، از جمله کلینی در کافی، صدوق در کمال الدین، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، علل الشرایع و أمالی مرحوم کاشی در اختیار معرفة الرجال، حرانی در تحف العقول و... وارد شده است.

آغاز امامت امام رضا (علیه السلام) با ظهور فرقه واقفیه همراه شد؛ «فرقه‌ای که با ادعای زنده بودن امام کاظم (علیه السلام) از سوی برخی وکلای ایشان، شکل گرفت. این وکلا ادعا کردند که امام در قید حیات است، به پس پرده غیب رفته و باز

خواهد گشت. پذیرش این سخن، به معنای توقف سلسله امامت و پایان آن با امامت امام کاظم(علیه‌السلام) بود. اعتبار و جایگاه گذشته این افراد موجب شد جمع زیادی دچار تردید و انحراف شوند و تشکیکی گسترده در جامعه شیعی پدید آید. «ابن بابویه، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۳۵). امام رضا(علیه‌السلام) پس از رسیدن به مقام امامت در نخستین گام، با چنین ادعایی مواجه بود و باید پاسخگوی کسانی می‌شد که از انگیزه‌های متفاوتی برخوردار بودند. برخی صرفاً این ادعا را برای بازپس‌دادن اموال امام کاظم(علیه‌السلام) مطرح کردند و برخی به خاطر برداشت نادرست از بعضی روایات، چنین ادعایی را پذیرفته بودند(برای اطلاع بیشتر نک: صفری فروشانی و بختیاری، ۱۳۹۱: ۷۹-۹۸). علاوه بر اینها، زمانی هم که به ولایتعهدی رسیدند، رواج و گسترش جریان‌های انحرافی، فلسفه وجودی امامت را زیر سؤال برده بود. با توجه به این اوضاع، سیره امام رضا(علیه‌السلام) در ارائه آموزه‌های مهدوی قابل تأمل است.

۴-۱-۲-۲ نسل منتظر و شاخصه‌های آن

از جمله مسائل مهمی که در تبلیغ امام هشتم(علیه‌السلام) پیرامون مسئله مهدویت نمود بارزی دارد، موضوع انتظار فرج و به تبع آن، تربیت نسلی منتظر است. از امام رضا(علیه‌السلام) نیز همانند سایر ائمه(علیهم‌السلام) روایات متعدد و معتبری پیرامون فضیلت انتظار فرج نقل شده است. در روایتی خطاب به حسن بن جهم که از حضرتش درباره فرج پرسید، فرمودند: «انتظار فرج، جزئی از فرج است.» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۶). در روایت دیگری فرمودند: «چه نیکو است صبر و انتظار فرج! ... پس بر شما باد صبر و بردباری؛ زیرا گشایش پس از ناامیدی فرا می‌رسد...» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۱۷).

حضرت در راستای حرکت تبلیغی خود، پیرامون مهدویت، شاخصه‌هایی را برای نسل منتظر برمی‌شمارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) یکی از خصوصیات نسل منتظر، ایمان قاطع به حوادثی است که در آینده اتفاق می‌افتد. امام‌رضا(علیه‌السلام) همواره ایمان به آینده‌ای روشن را در مکتب تشیع زنده می‌کرد و می‌فرمود: «حجّت قائم که در غیبتش انتظار او را کشند و در ظهورش مطاع باشند، اگر از دنیا مگر یک روز باقی نمانده باشد، خدا همان روز را طولانی می‌نماید تا ظهور کند و زمین را پر از عدالت کند؛ همان گونه که از ستم پیر شده است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۷۲) چنین امیدی، انسان را در انجام وظایفش باثبات‌تر و مشتاق‌تر می‌کند.

ب) از دیگر ویژگی‌های برجسته نسل منتظر، دید جهانی اوست. نسل منتظر باید به جای پرداختن به مسائل جزئی، تفکر کلی و جهانی داشته باشد. امام‌رضا(علیه‌السلام) فرمودند: امام مهدی(عج) در روز ظهور همه را مورد خطاب قرار می‌دهند: «او(حضرت مهدی(عج)) کسی است که ندا دهنده‌ای از آسمان به نام وی فریاد کند که همه اهل زمین دعوت به سوی او بشوند. گوید: «هان! همانا حجت خدا نزد خانه خدا آشکار شد او را پیروی کنید که حق با او و در او است.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۷۲). بیان حضرت به‌خوبی بیانگر این مسئله بوده که ظهور حضرت(عج) جنبه جهانی دارد و یاران امام عصر از دورترین نقاط جهان گرد هم می‌آیند: «يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ» (همان: ۳۷۸)؛ بنابراین نسل منتظر نیز باید به شکلی تربیت شود که دیدی جهانی داشته باشد.

ج) سومین ویژگی نسل منتظر، احیای امر امامان با آموزش علوم آنان است. نسل منتظر در مکتب اهل بیت(علیهم‌السلام) آموزش دیده و علوم آنان را فراگرفته است و بدان عمل می‌کند و به دیگران نیز می‌آموزد. عبدالسلام بن صالح هروری گفته است: شنیدم امام‌رضا(علیه‌السلام) فرمود: «خداوند بنده‌ای را که امر ما را زنده بدارد، رحمت کند.» عرض کردم: «چگونه امر شما را زنده بدارد؟» فرمود: «علوم ما را یاد بگیرد و به مردم یاد بدهد. اگر مردم خوبی‌های کلام ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند.» (همان، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۲۰). با عنایت به اینکه انقلاب مهدی(عج) جهانی است، علوم اهل بیت(علیهم‌السلام) نیز باید به تمام زبان‌های زنده جهان ترجمه شود و

در عصر ارتباطات و اتصالات با استفاده از همه رسانه‌های گروهی به جهانیان برسد. (د) خصوصیت چهارم نسل منتظر، آمادگی کامل برای رویاروی با حوادث آینده است. او باید بداند که در عصر ظهور چه وظیفه‌ای برعهده دارد. امام‌رضا(علیه‌السلام) با اعتقاد به این مطلب، به نحوی از ظهور سخن می‌گفت که روح آمادگی را در درون مسلمانان پرورش می‌داد و به نقل از پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ فَرَجِ اللَّهِ» (همان، ج ۲: ۳۶) معنای انتظار فرج چیزی جز آماده کردن خود برای رویارویی مناسب با آن نیست.

(ه) ویژگی پنجم نسل منتظر، ترویج فرهنگ مهدویت است. بی‌شک، اعتقاد به انتظار فرج، فرد را به گونه‌ای متناسب با جامعه مهدوی پرورش می‌دهد. امام‌رضا(علیه‌السلام) فرمودند: «به‌راستی، قائم ما که مهدی است کسی است که باید در حال غیبتش، انتظار او را بکشند.» (همان: ۳۷۷). منظور آن حضرت از چنین انتظاری، یک انتظار عملی است؛ یعنی نسلی که تلاش می‌کند در غیبت آن حضرت (عج) فرهنگ مهدویت را در جامعه ترویج دهد.

۴-۱-۳ تبلیغ عملی فرایض دینی

نماز مهم‌ترین آیین عبادی مسلمانان است. پیرامون اهمیت و پایبندی بر ادای به‌موقع نماز روایت‌های بسیاری از امامان معصوم(علیهم‌السلام) وارد شده است. در جامعه‌ای که نماز تبلیغ و فضای توحیدی بر آن حاکم می‌شود میدان برای گناهکاران تنگ می‌گردد؛ زیرا بانگ نماز، بانگ بازگشت به فطرت توحیدی است. آن حضرت(علیه‌السلام) علاوه بر اینکه بر خواندن نماز اول وقت بسیار تأکید داشتند: «حَافِظُوا عَلَيَّ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۰: ۲۰) عملاً اجرای به‌موقع فرایض دینی، از جمله نماز را تبلیغ می‌کردند. در مناظره با عمران صابی، هنگامی که زمان نماز فرا رسید، امام(علیه‌السلام) رو به مأمون کردند و فرمودند: «وقت نماز است.»

عمران از بیم آنکه مبدا مناظره بین او و امام از سر گرفته نشود، اظهار داشت: مولای من! رشته گفتگو را قطع مکن زیرا قلب من با تو سازگار است. امام(علیه‌السلام) به او وعده فرمود که مناظره را پی خواهد گرفت. آنگاه از جای خود برخاست و نماز را اقامه کرد و پس از ادای نماز، مناظره را از سر گرفت(همان، ج ۱۰: ۳۱۳).

۲-۴ تبلیغات فرهنگی رضوی

۱-۲-۴ پرورش نخبگان فرهنگی

یکی از شیوه‌های تبلیغی امام‌رضا(علیه‌السلام) پرورش دین‌شناسان نخبه بود که همگی جزء مراجع دینی به‌شمار می‌آمدند و توانستند به‌عنوان مبلغ دین، بسیار مؤثر واقع شوند. به‌عنوان نمونه، امام، زکریا بن آدم را دین‌شناسی آگاه می‌دانست و از شیعیان می‌خواست برای حل مشکلات و مسائل دینی خود به او رجوع کنند(کشی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۹۵).

از دیگر ویژگی‌های این نخبگان بهره‌مندی از علم و دانش بود. آنان با استفاده از علم خود، جامعه را از لغزش‌ها و انحراف‌ها مصون می‌داشتند. امام‌رضا(علیه‌السلام) علم و دانش برخی از نخبگان جامعه مانند یونس بن عبدالرحمن را تمجید و وقتی شخصی از او پرسید که امکان دستیابی به امام(علیه‌السلام) برایش مقدور نیست و باید پرسش‌هایش را با چه کسی در میان بگذارد، در جواب فرمودند: «آن را از یونس بن عبدالرحمن بپرس.»(نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۴۴۶). امام(علیه‌السلام) در توصیف شخصیت یونس می‌فرماید: «یونس بن عبدالرحمن مانند سلمان فارسی در زمانش است.»(کشی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۰۳). یونس علاوه بر اینکه جزء استادان برجسته حوزه علوم دینی بود و شاگردان زیادی را تربیت کرد، تألیفات فقهی فراوانی نیز دارد. نخبگان دارای بصیرت بودند و همین بصیرت، عرصه را بر جریان‌های انحرافی تنگ کرد. جریان انحرافی واقفیه با مغالطه‌ها و جدل‌ها توانستند بسیاری از افراد را واقفی کنند؛

اما در برابر افراد بصیری مانند فضل‌بن‌شاذان، یونس‌بن‌عبدالرحمن، صفوان‌بن‌عیسی و زکریا‌بن‌آدم نتوانستند با مغالطه و جدل وارد شوند (ابن‌داوود، ۱۳۹۲ق، ج ۱: ۳۸۳؛ حرّ عاملی، بی‌تا، ج ۳: ۲۳۶). افزون بر این، از دیگر عواملی که سبب شد در دام انحراف‌ها گرفتار نشوند، اطاعت محض آنان از رهبری امام‌رضا (علیه‌السلام) بود؛ چنان‌که امام جواد (علیه‌السلام) در مورد محمدبن‌سنان و صفوان‌بن‌یحیی فرمودند: «این دو هرگز با من و پدرم مخالفت نکردند.» (کشی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۰۴).

امام‌رضا (علیه‌السلام) در دیدارهای خویش با نخبگان عرصه فرهنگی، همواره از آنان می‌خواستند مبارزه با جریان‌های انحرافی و سران آنها را در رأس برنامه‌های خویش قرار دهند تا جامعه را از خطر تهاجم فرهنگی حفظ کنند. یونس‌بن‌عبدالرحمن می‌گوید: «امام‌رضا (علیه‌السلام) به من فرمودند: ای یونس! محمدبن‌فرات را می‌بینی که چگونه بر من دروغ می‌بندد؟ به آن حضرت عرض کردم: خداوند او را از رحمت خویش دور بدارد! آن حضرت فرمودند: چنین باد! خداوند او را عذاب دردناکی بچشانند! همان‌گونه که کسانی را که پیش از او بر ما دروغ بستند، دچار عذاب نمود. ای یونس! این را گفتم تا یارانم را از او دور بداري و آنان را به لعن بر وی و برائت از او امر کنی زیرا خداوند از او بیزار است.» (همان: ۵۵۴). این گفتگوی حضرت (علیه‌السلام) ارائه برنامه از جانب ایشان برای مقابله با تهاجم فرهنگی است.

از مسائل فرهنگی دیگری که جامعه روزگار امام‌رضا (علیه‌السلام) با آن روبه‌رو بود، تلاش برخی از کوتاه‌فکران و منحرفان برای از بین بردن فرهنگ انسان‌ساز اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بود تا جامعه را منحرف سازند. نخبگان فرهنگی دست‌پرورده امام (علیه‌السلام) تلاش بسیاری می‌کردند تا بتوانند آموزه‌های صحیح دینی را در اختیار مردم قرار دهند. از جمله اقدام‌های آنان سفر به مراکز پخش اندیشه‌های انحرافی بود؛ چنان‌که یونس‌بن‌عبدالرحمن به عراق سفر کرد، کتاب‌های حدیثی آنان را گرفت و آنها را به امام (علیه‌السلام) عرضه نمود. آن حضرت نیز احادیث وضعی را برای وی مشخص فرمود (همان: ۴۰۱).

تألیفات متعددی که از نخبگان جامعه رضوی درباره اثبات امامت علی بن ابی طالب (علیهما السلام) وجود دارد، حاکی از این مطلب است که در این دوران برخی از نخبگان مانند فضل بن شاذان وارد مبارزه سیاسی با خلفای عباسی شده و امامت جامعه اسلامی را شایسته اهل بیت (علیهم السلام) می دانند. حفظ وحدت شیعیان از جمله مواردی بود که نخبگان سیاسی سعی داشتند با تدابیر خود، آن را تحقق ببخشند (ابن داوود، ۱۳۹۲ق: ۳۴۶).

۲-۲-۴ مقابله با اصطکاک فرهنگی میان جهان اسلام و غرب

مأمون حاکم عباسی تاکتیک جدیدی را برای انزوای امام (علیه السلام) به کار گرفت. امام (علیه السلام) نیز فعالیت‌های سیاسی خود را متناسب با وضعیت موجود جهت داد. در این دوره، حکومت تصمیم گرفت برای جلوگیری از نفوذ بیشتر امام (علیه السلام) در جامعه، آثار علمی سایر تمدن‌ها را ترجمه و در جامعه اسلامی منتشر کند تا هم ذهن مردم از پیگیری مسئله خلافت و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) متوجه مسائل دیگر شود و هم با ورود عالمان جدید به جامعه اسلامی، اهمیت و نفوذ علمی امام (علیه السلام) کاهش یابد. «بیت الحکمه» با همین هدف تأسیس شد و نهضت ترجمه آغاز گشت. در ادامه، هسته‌های علمی جدید و جلسات مناظره علمی پرشماری برگزار گردید. در پی ترجمه متون خارجی که در بیت الحکمه و جندی شاپور صورت گرفت، اصطکاک فرهنگی میان جهان اسلام و غرب ایجاد شد و تبلیغات فرّق و مذاهب مختلف، فضای علمی و فرهنگی خاصی را پدید آورد. حضور امام رضا (علیه السلام) در این مقطع سرآغاز تحولی اساسی در دنیای فکری مسلمانان به‌ویژه ایرانیان گردید (صفا، ۱۳۷۱: ۵۹-۶۱). امام (علیه السلام) در راستای روشن ساختن افکار عمومی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، به تنقیح و تبیین معارف دینی و تشکیل جلسات مناظره و... می‌پردازد و راه و رسم تحقیق و تحصیل علم را به مردم و اهل علم معرفی می‌کند و آنان را از خطر انحراف مصون می‌دارد.

یکی دیگر از اقدام‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) در تحکیم مواضع فرهنگی شیعه و گسترش آن، تشکیل حوزه درسی در منزل و مسجد بود. در این جلسات بود که شیعیان از شهرهای دور و نزدیک برای زیارت امام(علیه‌السلام) و گرفتن راهنمایی و کسب معارف علمی و دینی و حلّ شبهات و مسائل گوناگون می‌آمدند. تعداد ایشان هر روز بیشتر می‌شد تا جایی که مأمون احساس خطر جدی کرد و آن را به تعطیلی کشاند(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۲-۱۷۴).

۳-۲-۴ ترویج سبک زندگی اسلامی

در شرایطی که جریان‌های انحرافی داخل مرزهای اسلامی از یک‌طرف و مشکلات فرهنگی ناشی از نهضت ترجمه و ورود افکار و آرای مختلف و مخالف با فرهنگ اصیل اسلامی از طرف دیگر، بنیان‌های جامعه اسلامی و به‌خصوص خانواده را هدف آماج حملات ویرانگر خود قرار داده بود، یکی از کارهای تبلیغی امام‌رضا(علیه‌السلام) برای نجات خانواده‌ها از این بحران، نشر و تقویت سبک زندگی اسلامی بود. از آنجاکه مقصد امام(علیه‌السلام) رساندن خانواده به عالی‌ترین کمال شایسته خویش بود، لطیف‌ترین و عمیق‌ترین بیانات را در جهت شکوفایی این نهاد مقدّس بیان فرموده‌اند. در بیانات آن حضرت، علاوه بر توجه به حقوق مرد و وظایف او، حق زن نیز به‌طور کامل استیفا شده است. تبلیغ آن حضرت درباره زندگی مشترک بر این اصل استوار بود که در زندگی خانوادگی، زن و شوهر باید در غم و شادی شریک هم باشند و رفتارهای آنان مسالمت‌آمیز و بر اساس خوش‌رویی و مهربانی باشد. از بزرگ‌ترین معضلاتی که سبب تزلزل و تضعیف بنیان خانواده می‌شود، بدخلقی و بدرفتاری زن و مرد با یکدیگر است. آثار زیانبار فردی و اجتماعی این صفت مذموم بر کسی پوشیده نیست و امام(علیه‌السلام) در روایات فراوانی، مردم را از آن برحذر داشته‌اند(همان، ج ۲: ۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۸۳). با توجه به آثار سوء فراوانی که بدخلقی بر روح و روان خانواده و به‌تبع آن بر جامعه دارد، آن حضرت همواره سفارش می‌کردند که

خانواده‌ها، دختران خود را به تزویج افراد بداخلاق درنیاورند(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۲۳۵؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۸۰).

از امام رضا(علیه‌السلام) پیرامون هر کدام از بایسته‌های زندگی خانوادگی احادیث زیادی وارد شده است که پرداختن به تمامی آنها در این مجال نمی‌گنجد؛ لذا به صورت تیتروار به مواردی از آنها اشاره می‌شود: اعتدال و رفتار توأم با فروتنی و خوشرویی(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۳۴۷؛ ابن‌شعبه حرّانی، ۱۳۶۶: ۲۰۱؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۳۰۴)، لزوم احترام متقابل(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۱)، قدرشناسی و تمجید(عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۹۹)، مدارا و سازش(عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۵۶)، ابراز عواطف و احساسات(ابن‌شعبه حرّانی، ۱۳۶۶: ۴۱۰)، عفو و گذشت(دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۰۷)، مشورت کردن(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲: ۴۴؛ برقی، ۱۳۷۱: ۶۰۱)، آراستگی و نظافت(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶۳)، هدیه دادن(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ۲۱؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۵۴۷) و...

۳-۴ تبلیغات سیاسی رضوی

برخی از مهم‌ترین تبلیغات سیاسی امام رضا(علیه‌السلام) عبارتند از:

۱-۳-۴ بیان مشروعیت الهی خویش

امام رضا(علیه‌السلام) در خصوص مشروعیت الهی خویش هرگز تقیّه نکردند و امامت و برحق بودنشان را به‌صراحت اعلام می‌کردند. این می‌گوید: «خدمت حضرت رضا(علیه‌السلام) رسیدم و پرسیدم: معنی «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» چیست؟ فرمود: علی بن ابیطالب(علیهما السلام). سپس سکوت کرد. چون سکوتش به طول انجامید، گفتم: بعد از آن کیست؟ فرمود: حسن(علیه‌السلام). بار دیگر سکوت

کرد. پرسیدم: بعد از آن کیست؟ فرمود: حسین(علیه السلام). راوی گوید: وی همچنان سکوت می کرد و من سؤال می کردم تا آن گاه که همه امامان(علیهم السلام) را نام برد.(عطاردی، ۱۴۰۶ق: ۵۱۸).

۴-۳-۲ ضرورت رهبری و زعامت امام(علیه السلام)

در مکتب سیاسی حضرت رضا(علیه السلام) به این مهم توجه خاص شده است؛ به گونه ای که حضرت(علیه السلام) در استدلال بر ضرورت وجود زمامدار و رهبر، اعلام می فرمایند: اگر امامی امین در رأس هرم مدیریت و قدرت نباشد، دین، آیین و احکام مردم مورد تاخت و تاز قرار می گیرد و عرصه برای اهل بدعت و الحاد باز می شود و در نتیجه آن، فساد، ویرانی و اختلال عمومی، چهره زشت خود را برای مردم نمایان می سازد. تعبیر فساد و اختلال عمومی، برگرفته از نص کلام امام رضا(علیه السلام) است: «كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۱۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۶۵: ۲۶۳)؛ یعنی در صورت عدم اقامه عدل توسط امام عادل، فساد، جمیع خلق را فراخواهد گرفت، نه اینکه تنها بخشی از عالم را شامل شود.

۴-۳-۳ گفتگو و ارتباط با مردم

مأمون به طرق مختلف تلاش می کرد امام(علیه السلام) را از مردم دور نگه دارد تا آن ارتباط عاطفی و معنوی میان حضرت و مردم را از بین ببرد. در همین راستا، با تدبیر خاص خود مسیر حرکت امام(علیه السلام) از مدینه تا مرو را طوری انتخاب کرده بود که شهرهای معروف به محبت اهل بیت(علیهم السلام) مانند کوفه و قم بر سر راه قرار نگیرند. اما امام(علیه السلام) در همان مسیر تعیین شده و در جای جای این سفر طولانی، خود را در معرض ارتباط با مردم قرار می داد(جعفریان، ۱۳۶۸: ۲۲۱). در بصره دل هایی را که با او نامهربان بودند، به خود متمایل کرد. در اهواز از امامت سخن

گفت و در نیشابور حدیث گهربار «سلسله‌الذهب» را به یادگار گذاشت و وظیفه تبلیغی خویش را به بهترین شکل به انجام رساند.

۴-۳-۴ تلاش برای بیداری اسلامی

از جمله مسائلی که در تبلیغ رضوی جایگاه ویژه‌ای دارد، تلاش برای بیداری مردم نسبت به ظلم و جور حاکمان زمانه و بیان بی‌کفایتی آنان است. اظهار براءت و بیزاری از ظالمان نسبت به امامان (علیهم‌السلام) از وظایف پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) است. امام رضا (علیه‌السلام) در تبیین احکام راستین اسلام فرمودند: «براءت از کسانی که به آل محمد (علیهم‌السلام) ظلم کردند و به بیرون راندن آنان از زادگاهشان همت ورزیدند و ستم به آنان را سنت نهادند، واجب است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۷۵).

در روزگار حضرت، دو نفر مسافر به خراسان آمدند. وقتی به حضور ایشان رفته و پرسیدند: ما از فلان جا آمده‌ایم؛ آیا نماز ما شکسته است یا تمام؟ حضرت رضا (علیه‌السلام) به یکی از آنان فرمود: نماز تو شکسته است. و به دیگری فرمود: نماز تو تمام است. با اینکه آنها از یک جا آمده بودند و در حدّ سفر آنان هیچ‌گونه تفاوتی نبود! لذا آنان تعجب کردند که چرا جواب مسئله، دوگونه شد. امام (علیه‌السلام) برای آن کس که فرموده بود نماز تو تمام است؛ چنین توضیح دادند: «زیرا تو به قصد دیدار سلطان (مأمون ظالم) آمده‌ای؛ بنابراین سفر تو سفر گناه است و سفر گناه موجب قصر نماز نمی‌شود.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۵۱۰). به این شیوه، آن حضرت با تبیین احکام فقهی، پیوسته مردم را از دلدادگی به حاکمان جور برحذر می‌داشت.

۵. سبک‌شناسی تبلیغ رضوی

سبک‌شناسی یکی از علوم نوپا و جدید در حوزه ادبیات است. «سبک به معنای طرز بیان است. بین روحيات و خلیقات صاحب اثر از یک سو و معنای مورد نظر وی، از سوی دیگر ارتباط مستقیم وجود دارد. هر نویسنده و گوینده‌ای، سبک منحصر به فرد خود را دارد که تحت تأثیر عوامل اجتماعی، تاریخی، دینی و... نیز قرار می‌گیرد.» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۵). زبان‌شناسان اغلب برای شناخت یک اثر متنی، از چندین معیار معروف استفاده می‌کنند؛ از جمله: داشتن نظم بیانی در متن (شامل استفاده از صنعت تکرار، عمیق و کوتاه بودن و یا اطناب سخن، بنا به اقتضای حال مخاطب، توجه به آهنگ و ریتم کلمات)، تسلسل و نظم منطقی مباحث، معناسازی (شامل هماهنگی لفظ با معنا، انتخاب آگاهانه واژگان و به‌کارگیری ساختارهای تأکیدی). (نک: کواز، ۱۳۸۶: ۵۴-۶۲؛ عیاد شکری، ۱۹۸۲: ۶۷-۷۳).

علی‌بن موسی‌الرضا (علیهماالسلام) در تبلیغ خویش در کنار رعایت اصول اخلاقی و علمی، همواره سعی می‌کرد، به منظور تأثیر بیشتر در مخاطب و با استناد به آیه: «وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (و با آنها سخنی رسا که در دل‌هایشان مؤثر افتد، بگوی) (نساء/۶۳) گفتار خویش را به انواع تکنیک‌های ادبی و بلاغی مزین نماید. در این بخش برخی از موارد مهم ارائه می‌شود:

۵-۱ نظم بیانی متن

مفاهیمی که در نظم بیانی متن سنجیده می‌شوند، بر محور تکرارها، طولانی یا کوتاه‌بودن عبارت‌ها به مقتضای حال مخاطب و نیز توجه به آهنگ و ریتم کلمات است که در ادامه بررسی می‌شود:

۵-۱-۱ استفاده از صنعت تکرار

در بیانات علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) یکی از ویژگی‌های مهم نظم بیانی، تکرار برخی کلمات است. این مسئله دلایل خاصی دارد که در ضمن نمونه‌ها به آنها اشاره می‌شود: آن حضرت در مناظره با عمران صابی، درباره خداوند می‌فرماید:

«أَمَّا الْوَاحِدُ فَلَمْ يَزَلْ وَاحِدًا كَأَنَّهَا لَا شَيْءَ مَعَهُ بِلا حُدُودٍ وَلَا أَغْرَاضٍ وَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ ثُمَّ خَلَقَ خَلْقًا مُتَبَدِّعًا مُخْتَلِفًا بِأَغْرَاضٍ وَحُدُودٍ مُخْتَلِفَةٍ لَا فِي شَيْءٍ أَقَامَهُ وَلَا فِي شَيْءٍ حَدَّهُ وَلَا عَلَى شَيْءٍ حَدَّاهُ...» (خداوند یگانه از ازل بی‌همتا بوده، چیزی با او نبوده، حدود و اعراض راهی به او نداشته و همواره چنین بوده است. پس مخلوقات را به‌طور ابداعی با اعراض و حدود مختلف خلق نمود. این خلقت ابداعی را نه در چیزی به پا داشت و نه محدود به چیزی کرد؛ نه بر چیزی مقابل نمود...) (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶۹).

با عنایت به اینکه از لحاظ قواعد نحوی، در عبارات بالا، نیازی به تکرار حرف «لا» نیست زیرا معنای حرف نفی «لا» به‌وسیله حرف عطف «و» منتقل می‌شود؛ اما آن حضرت، حرف «لا» را به نشانه تأکید بسیار، تکرار فرمودند.

گاهی گوینده کلام واژه‌ای را به علت التذاد یا تبرک جستن تکرار می‌کند. به‌عنوان نمونه، تکرار کلمه «الله» در بخش‌هایی از بیانات حضرت، همین هدف را دنبال می‌کند: «أَمَّا الْفَرَائِضُ فَبِأَمْرِ اللَّهِ وَبِرِضَى اللَّهِ وَبِقَضَاءِ اللَّهِ وَ...» (همان: ۲۸۸).

۵-۱-۲ به کارگیری اطناب مفید (غیرمخل)

تلذذ، تبرک و تأکید تنها مختص تکرار لفظی نیست بلکه گاه طولانی بودن کلام و تکرار معنای واحد در الفاظ مختلف، نوعی تأکید بر موضوع تلذذ و تبرک است که اطناب مفید یا غیرمخل نامیده می‌شود. هرچند نمونه این نوع اطناب در مناظرات

فراوان نیست، اما در بررسی کلام امام (علیه السلام) گاهی دیده می شود که حضرت به مقتضای حال مخاطب، از اطناب غیرمخلّ برای انتقال بار تأکیدی و التذادی معنایی خاص بهره گرفته است؛ یعنی گاه معنای مورد نظر چنان مهم بوده و چنان بیان آن و در نتیجه شنیدن آن توسط مخاطب ارزشمند است که حضرت، کلام را با اطناب بیان می کند تا مخاطب از شنیدن و در نتیجه درک این مفاهیم، بیشترین التذاد و بهره فکری و معنوی را داشته باشد. نمونه این اطناب غیرمخلّ در توصیف اسماء الهی توسط ایشان به چشم می خورد. برای نمونه، می توان به توصیف اسم «الظاهر» توجه کرد که چنین می فرمایند:

«وَأَمَّا الظَّاهِرُ فَلَيْسَ مِنْ أَنَّهُ عَلَا الْأَشْيَاءَ بِرُكُوبِ فَوْقَهَا وَفُعُودِ عَلَيْهَا وَتَسْنَمِ لُدْرَاهَا وَلَكِنَّ ذَلِكَ لِقَهْرِهِ وَغَلْبَتِهِ الْأَشْيَاءَ وَقُدْرَتِهِ عَلَيْهَا كَقَوْلِ الرَّجُلِ ظَهَرْتُ عَلَى أَعْدَائِي - وَأَظْهَرَنِي اللَّهُ عَلَى خَصْمِي إِذَا أَخْبَرَ عَلَى الْفَلَجِ وَالظَّفْرِ فَهَكَذَا ظَهَرُ اللَّهُ عَلَى الْأَشْيَاءِ» (و اما ظاهر، به این معنی نیست که با سوار شدن بر اشیا و نشستن بر آنها، از آنها بالا رفته است بلکه به این خاطر به او ظاهر گفته می شود که بر همه چیز چیره و قاهر است و بر همه چیز غلبه یافته و نسبت به همه چیز قادر است. مثلاً گفته می شود «بر دشمنان خود پیروز شدم» و «خداوند مرا بر دشمنم پیروز گردانید». در اینجا منظور از ظهور، فتح و غلبه است و ظهور خدا بر اشیا نیز این گونه است) (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۹۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۰).

با اندکی تدبیر در بیانات فوق می توان پی برد که آن حضرت برای شرح معنایی لفظ «الظاهر» که از صفات الهی است از اطناب مفید (غیرمخلّ) استفاده کرده و آن را به عنوان قاهر بودن، سپس غلبه داشتن و بعد چیره و قادر بودن شرح داده و سرانجام به ذکر نمونه هایی از کلام عرب برای اثبات این موضوع پرداخته است. این نوع اطناب از یک سو بیانگر تأکید معنایی بوده و از سوی دیگر تبرک و تلذذ گوینده و شنونده برای بیان و دریافت این مفاهیم والا را می رساند.

۵-۱-۳ عمیق و کوتاه بودن سخن

یکی از ویژگی‌های بارز تبلیغ رضوی عمیق و کوتاه بودن سخن است. در مناظره‌ای که میان آن حضرت و مردی زندیق صورت گرفت، آن مرد از امام (علیه‌السلام) درخواست کرد تا خداوند را برایش توصیف کند. حضرت (علیه‌السلام) فرمودند: خداوند قابل تعریف و تحدید نیست. پرسید: چرا؟ فرمودند: زیرا هر محدودی به حدی منتهی می‌شود و هرگاه احتمال تحدید وجود داشته باشد، احتمال زیادت و نقصان نیز وجود دارد؛ حال آنکه خداوند نه محدود به زمان و مکان است و نه نقصان و تجزیه در او راه دارد و نه با وهم و گمان می‌توان او را درک نمود و تصوّر کرد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۷۲).

احتجاجات امام (علیه‌السلام) در عین برخورداری از اختصار و ایجاز کلام، در بردارنده انبوهی از معارف است. به‌عنوان نمونه، در مناظره مختصر امام (علیه‌السلام) با یحیی بن ضحاک و دیگر علمای عامه در مجلس مأمون، آن حضرت (علیه‌السلام) به نحوی از احتجاج عمیق و مختصری بهره بردند که مأمون در پایان، چنان غضبناک و ناراحت شد که به یکباره فریادی کشید که همه متفرّق شدند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۵۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۴۰).

۵-۱-۴ توجه به آهنگ کلام

در زبان عربی، ریتم حروف تشکیل‌دهنده کلمه و ویژگی هر یک از این حروف و آهنگ جملات، چنان تأثیر مهمی در سیر معنایی جمله دارد که گفته می‌شود میان آهنگ و معنی رابطه کاملاً مستقیمی وجود دارد. در بیانات مناظره‌ای امام رضا (علیه‌السلام) نیز کاربرد این ویژگی، بارز و برجسته است. آن حضرت در این بیانات، از آهنگ خاص حروف، کلمات و جملات برای انتقال کامل معنای مورد نظر بهره گرفته‌اند. به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌شود: «لَا حَدٌّ لَغَيْرِ مَحْدُودٍ وَالصَّفَاتُ وَالْأَسْمَاءُ كُلُّهَا تَدُلُّ

عَلَى الْكَمَالِ وَالْوُجُودِ وَلَا تَدُلُّ عَلَى الْإِحَاطَةِ كَمَا تَدُلُّ الْخُدُودُ الَّتِي...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۴). در عبارات فوق، تکرار حرف «دال» کاملاً مشهود است. «حرف دال از جمله حروف نطعی بوده و بر قطعیت کلام دلالت می‌کند.» (سلیمان، ۱۳۷۱: ۵۱)؛ بنابراین تکرار این حرف در جمله بیانگر قاطعیت کلام و نبود شک و تردید در حکم کلی جمله است. در این میان، استفاده از ویژگی موسیقایی و حروف دیگر برای انتقال معنای خاص نیز قابل توجه است که از جمله آنها می‌توان به کلام زیر اشاره کرد: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدَرَ الْمَقَادِيرَ وَدَبَّرَ التَّدَابِيرَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۸۵). تکرار حرف «راء» در این عبارت‌ها، کاملاً معلوم است. با توجه به اینکه «ویژگی موسیقایی حرف راء، تکریر است» (سلیمان، ۱۳۷۱: ۵۱) حضرت از واژگان خاصی استفاده کرده‌اند که همگی به حرف راء ختم می‌شود تا ویژگی موسیقایی این حرف در ادای معنای تکرارپذیری عمل، دخیل باشد. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت این خداوند متعال است که مقدرات و تدبیرات لازم را همواره و پی‌درپی در نظر می‌گیرد. لذا در نمونه مذکور نیز کاربرد موسیقایی حروف برای انتقال معنا کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۲ به کارگیری ساختارهای تأکیدی

یکی از ساختارهای تأکیدی آن امام همام استفاده فراوان از ساختار «قد+ فعل ماضی» برای نشان دادن قطعیت حقیقت مورد نظر است. به عنوان نمونه:

«فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ مَنْ اسْتَوْصَفَهُ وَقَدْ تَعَدَّاهُ مَنْ اشْتَمَلَهُ وَقَدْ أَخْطَأَهُ مَنْ اِكْتَنَّهُهُ وَمَنْ قَالَ كَيْفَ؟ فَقَدْ شَبَّهَهُ وَمَنْ قَالَ لِمَ؟ فَقَدْ عَلَّلَهُ وَمَنْ قَالَ مَتَى؟ فَقَدْ وَقَّتَهُ وَمَنْ قَالَ فِيمَ؟ فَقَدْ ضَمَّنَهُ...» (پس کسی که او را وصف نموده، قطعاً او را نشناخته است و کسی که او را شامل غیر او قرار داده و تعمیم در او قائل شده مسلماً به او تعدی و جفا کرده و کسی که طلب کنه و حقیقت او نموده، بدون تردید خطا کرده است؛ و کسی که گفت چگونه است؟ قطعاً برای او مانند قرار داده است؛ و کسی که گفت از چه سبب؟ بدون شک، برای او علت به کار برده است؛ و کسی که گفت چه زمان؟ مسلماً برای او وقت

قرار داده است؛ و کسی که گفت در چه حال؟ قطعاً برای او ظرف قرار داده است و... (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۳۹؛ ابن بابویه، بی تا: ۲۵۵).

در جملات مذکور، تکرار «قد+ فعل ماضی» به صورت پی‌درپی کاملاً مشهود است. این تکرار پیوسته در اصل شیوه‌ای است که حضرت برای بیان قطعیت کلام خود و ضرورت خودداری از هر گونه تشبیه و توصیف در ذات اقدس بهره گرفته و بیشترین تأکید ممکن را در کمترین الفاظ بیان داشته است.

۵-۳ تسلسل و نظم منطقی مباحث

تسلسل و نظم منطقی بدین معناست که تمامی سخنان به شکلی دسته‌بندی شده باشد که برای رسیدن به یک هدف، با یکدیگر مرتبط باشد. در مناظرات آن حضرت، چنان پیوندی میان هر یک از سخنان آن بزرگوار وجود دارد که هیچ یک از آنها را نمی‌توان حذف کرد به‌گونه‌ای که بتوان گفت، از آن بی‌نیاز بوده است. رعایت این اصل، به‌ویژه در مناظرات طولانی امام‌رضا(علیه‌السلام) نمود بارزی دارد. برای نمونه، زمانی که عمران صابی از امام‌رضا(علیه‌السلام) درخواست کرد که از نخستین وجود و مخلوقاتش با وی سخن بگوید، آن حضرت پاسخ خویش را با این مقدمه آغاز فرمود: «اما خداوند یگانه، از ازل بی‌همتا بوده، موجودی است که چیزی با او نبوده؛ حدود و اعراض، راهی به او نداشته و الآن، همچنان که در آینده چنان است. پس مخلوقات را به‌طور ابدی با اغراض مختلف و موارد گوناگون آفرید. این خلقت ابدی را نه در چیزی برپاداشت و نه در چیزی محدود ساخت. نه بر چیزی مقابل نمود و نه با چیزی مشابه...» در ادامه، ایشان با تجزیه و تحلیل مباحث، ضمن تبیین جایگاه خداوند و مخلوقات، این نتیجه معقول را می‌گیرد که: «...خداوند متعال، مخلوقات را از روی احتیاج نیافریده است؛ بلکه احتیاج را در مخلوقات به وجود آورده است که به‌وسیله بعضی از آنها به بعضی دیگر منتقل می‌گردد و بعضی را بر بعضی ترجیح داده است؛ بدون نیاز به آنچه برتر است و بدون خصومت با آنچه در موقعیت پست قرار گرفته

است و بدین ترتیب، موجودات را خلق کرده است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶۹-۱۷۰).

۵-۴ انتخاب آگاهانه واژگان

این مسئله از چند زاویه قابل بررسی است: یکی از ناحیه انتخاب هدفدار واژگان نکره و معرفه است تا بر معنای ویژه مورد نظر ایشان دلالت کند. برای نمونه، می توان به وارد شدن «ال» استغراق جنس بر سر «کیف» و «این» در جملات زیر اشاره کرد: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَيْفَ الْكَيْفِ فَهُوَ بِلا كَيْفٍ وَ أَيْنَ الْأَيْنِ.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۳۵). داخل شدن «ال» بر سر این دو واژه بیانگر این است که هرگونه کیفیت و هرگونه ویژگی های مکانی به دست خداوند تعیین شده و هیچ «دگرگونی» و یا «کجایی» خارج از قدرت و تدبیر او نیست.

نکات کلیدی دیگر در معناشناسی گفتار امام (علیه السلام) توجه ایشان به افعالی است که برای مخاطب خود استفاده می کنند. امام (علیه السلام) زمانی که از خداوند و ویژگی های او سخن می گوید، خطاب به عمران از فعل «فَأَفْهَمُ» استفاده می کنند؛ زیرا قدرت تعقل بشری از پی بردن به کنه عظمت الهی عاجز است. تنها فهم می تواند کلیات را به عنوان آنچه هست و آنچه نیست دریابد اما، زمانی که از مخلوقات و ویژگی های آنها سخن می گوید، خطاب به عمران می فرماید: «تَعْقُلُ هَذَا» به این معنا که تفکر در نظام آفرینش، به معنای یک بینش سطحی و نگاه گذرا نیست زیرا انسان می تواند و باید در عالم خلقت تدبیر و تفکر نماید. در ادامه، امام (علیه السلام) عمران را با فعل «وَأُعَلِّمُ» خطاب قرار می دهد و با او درباره بی نیازی خداوند به مخلوقات سخن می گوید. اگر چه این مسئله (بی نیازی خداوند از مخلوقات) از راه تعقل و تدبیر حاصل می شود و راه شناخت و درک آن برای بشر بسته نیست، اما ممکن است عقل مخاطب به این شیوه استدلال امام نایل نیامده باشد. بنابراین، در قالب خبررسانی و آگاهی دادن، امام او را مخاطب قرار می دهد و از گذر این واژه به او خاطر نشان می کند که گفتار و استدلالی که بیان می شود، علمی است که باید دریابد

هر چند تاکنون به آن دست نیافته است. (ابن بابویه، ۱۴۱۵ ق: ۴۳۳؛ همان، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۰).

آن حضرت (علیه السلام) در انتهای پاسخ خود به یکی از سؤال‌های عمران که آیا خداوند پیش از ایجاد مخلوقات، ساکت بوده است؟ خطاب به عمران می‌فرماید: «فَبِهَذَا تَسْتَبْصِرُ أُمْرَكَ.» (با این مطلب، حقیقت مطلوبت را درمی‌یابی) (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۱). در اینجا، امام (علیه السلام) از کلمه «تَسْتَبْصِرُ» استفاده می‌کنند زیرا بصیرت یافتن فراتر و بالاتر از فهمیدن یا درک کردن است زیرا مثال امام (علیه السلام) نه تنها به سؤال عمران پاسخ می‌گوید، بلکه نوع رابطه خالق با مخلوق را نیز آشکار می‌کند.

نتیجه

در پژوهش حاضر پس از بررسی ابزارها، آداب، زمینه‌ها و تکنیک‌های تبلیغ در فرهنگ رضوی، نتایج زیر حاصل گردید:

۱. برخی از فرصت‌ها و ابزارهای مهمی که امام رضا (علیه السلام) به کمک آنها به ترویج و نشر فرهنگ اصیل اسلامی پرداخت، عبارتند از: استفاده از زمینه مساعد پس از شهادت امام موسی کاظم (علیه السلام)، استفاده از اهرم ولایتعهدی، شرکت در جلسات مناظره‌ای با حضور اندیشمندان مکاتب مختلف اسلامی و غیراسلامی، استفاده از رسانه شعر و تشویق شاعران به سرایش اشعار در مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و نیز استفاده از زبان دعا در شرایطی که نمی‌توانست به‌طور مستقیم پیام خود را به گیرنده برساند.

۲. امام هشتم شیعیان (علیه السلام) در راه نشر معارف الهی و دفاع از مکتب تشیع، سیره و آداب ویژه‌ای داشتند. یکی از شاخص‌های مهم الگوی رفتار ارتباطی در سیره رضوی، مخاطب‌شناسی است. حضرت در تبلیغ خویش همواره به سطح استعداد و

میزان عقل مخاطب توجه و مبلغان را نیز به این امر سفارش می فرمود.

از دیگر ویژگی های برجسته پارادایم تبلیغ رضوی، اعطای آزادی عقیده و استناد فراوان به آیات قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم السلام) در مواجهه با فرق اسلامی و استناد به متون مقدس سایر ادیان در مناظره با پیروان آنها بود.

۳. با استفاده از ابزارها و فرصت هایی که برای امام رضا (علیه السلام) مهیا شد، تبلیغ آن حضرت در چند زمینه، قابل تقسیم بندی است. از جمله:

تبلیغ اعتقادی شامل ارائه برهان در اثبات وحدانیت خداوند متعال، تبلیغ جایگاه امامت (تشیع اعتقادی)، تبلیغ آموزه های مهدوی، تربیت نسل منتظر و اجرای عملی فرایض دینی.

تبلیغ فرهنگی شامل پرورش نخبگان فرهنگی، مقابله با اصطکاک فرهنگی میان جهان اسلام و غرب و ترویج سبک زندگی اسلامی.

تبلیغ سیاسی آن حضرت بر روی بیان مشروعیت الهی امام (علیه السلام) اهمیتت رهبری و زعامت امام (علیه السلام) و تلاش برای بیداری اسلامی در سایه گفتگو و ارتباط با مردم، متمرکز بود.

۴. علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) به منظور تأثیر بیشتر در مخاطب، گفتار خویش را به انواع تکنیک های ادبی و بلاغی مزین می فرمود. توجه به آهنگ و ریتم کلمات برای انتقال کامل معنای مورد نظر، تسلسل و پیوند در بیانات طولانی حضرت، انتخاب آگاهانه کلمات معرفه و نکره و توجه او به افعالی است که برای مخاطب خود به کار می برند. در بیانات آن حضرت، الفاظ به صورتی کاملاً هماهنگ با معنا انتخاب شده است و اغلب ساختارها یا تکراری بوده یا به شکل تأکیدی آمده است. افزون بر این، گاه امام (علیه السلام) به اقتضای حال مخاطب، مطالب را به صورت کوتاه و پرمعنا یا طولانی اما مفید بیان می کردند.

در پایان باید گفت، امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) نیز همچون سایر ائمه (علیهم السلام) در موقعیت‌های گوناگون از حیات پربار خویش به نشر معارف دینی و آموزه‌های وحیانی پرداخته است. با توجه به این واقعیت که مخاطب قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) تمام مردمان در همه اعصار هستند، روایات احتجاجی رضوی، همچون سایر آموزه‌های حدیثی می‌تواند برای انسان معاصر، درس آموز، راهگشا و الهام‌بخش باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشده‌ای.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا (علیه السلام)*. تصحیح: مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- _____ (۱۳۸۶). *علل الشرايع*. نجف: المكتبة الحیدریه.
- _____ (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۱۵ق). *التوحيد*. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (بی تا). *الأمالی*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
- ابن داوود، حسن. (۱۳۹۲ق). *الرجال*. الطبعة الأولى. نجف: مطبعة الحیدریه.
- ابن سلامة. (۱۴۰۵ق). *مسند الشهاب*. بیروت: مؤسسة الرساله.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۶). *تحف العقول عن آل الرسول*. مترجم: علی اکبر غفاری. تهران: کتابچی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). *مناقب آل أبی طالب (علیهم السلام)*. قم: علامه.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دارصادر.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱). *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*. مقدمه: ابوالحسن شعرانی. قم: ادب الحوزه.
- اصفهانی، ابوالفرج. (بی تا). *مقاتل الطالبین*. نجف: انتشارات مکتبه الطباطبائی.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- برکو، رُی و همکاران. (۱۳۷۸). *مدیریت ارتباطات*. مترجمان: سید محمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۶۸). *تاریخ تشیع در ایران*. تهران: تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۶۹). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- _____ (بی تا). *اثبات الهداة*. قم: نشر علمی.
- حسینی شاهرودی، مرتضی؛ رودی، معصومه. (۱۳۹۴). «برهان های اثبات وجود خدا در مناظره های امام رضا (علیه السلام) در مرو». *فصلنامه فرهنگ رضوی*، س ۳، ش ۱۱: صص ۷۶-۳۹.
- خادمی، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۵). «راهبردهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره رضوی با تأکید بر مناظرات و احتجاجات». *فصلنامه فرهنگ رضوی*، س ۴، ش ۱۳: صص ۵۴-۳۱.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۴۰۸ق). *أعلام الدین*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- رهبر، محمد تقی. (۱۳۹۳). *پژوهشی در تبلیغ*. قم: بوستان کتاب.
- زیدان، جرجی. (۱۳۸۶). *تاریخ تمدن اسلامی*. مترجم: علی جواهر کلام. تهران: امیرکبیر.
- سینجی و مؤمن دوست. (۱۳۹۰). «اقناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم (علیهم السلام)»، *مجله علمی پژوهشی دین و ارتباطات*، س ۱۸، ش ۴.
- سلیمان، زهیر. (۱۳۷۱). *قواعد التجوید فی تلاوة القرآن*. قم: مکتبه الداوری.

- شمسی، جواد؛ جوارشکیان، عباس (۱۳۹۵). «تصویر آفرینش در مناظره عمران صابی با امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه فرهنگ رضوی، س ۴، ش ۱۳، صص: ۳۰-۷.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۵). کلیات سبک‌شناسی. چاپ چهارم. تهران: نشر فردوس.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ بختیاری، زهرا (۱۳۹۱). «امام رضا (علیه السلام) و فرقه واقفیه». نشریه پژوهش‌های تاریخی. دانشگاه اصفهان. س ۴، ش ۲ (پیاپی ۱۴): ۷۹-۹۸.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱). علوم عقلی در تمدن اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. تصحیح و تحقیق: محمداقبر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- (۱۴۱۷ق). أعلام الوری بأعلام الهدی. قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۱۱ق). الغیبة. الطبعة الأولى. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۹). اخبار و آثار حضرت رضا (علیه السلام). تهران: انتشارات کتابخانه صدر.
- (۱۴۰۶ق). مسند الإمام الرضا (علیه السلام). مشهد: کنگره جهانی امام رضا (علیه السلام).
- عبادشکری، محمد (۱۹۸۲م). مدخل إلى علم الأسلوب. ریاض: دارالعلوم.
- عیاشی، محمدبن مسعود (بی تا). تفسیر العیاشی. تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: کتبه‌العلمیه الإسلامیه.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق). کتاب‌العین. محقق: مهدی المخزومی. چاپ دوم. بی جا: دارالهجره.
- فضل‌الله، محمدجواد (۱۳۸۲). تحلیلی بر زندگانی امام رضا (علیه السلام). چاپ هفتم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان‌قدس‌رضوی.
- کشی، محمدبن عمر (۱۳۶۳). رجال. تصحیح: مهدی رجائی. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البتیة (علیه السلام).
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۲). الکافی. تعلیق: علی‌اکبر غفاری. چاپ پنجم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کواز، محمدکریم (۱۳۸۶). سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن. مترجم: حسین سیدی. تهران: سخن.
- لیثی، سمیره مختار (۱۳۸۴). جهاد شیعه در دوره عباسی اول. تهران: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- مجلسی، محمداقبر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. تصحیح و تحقیق: جمعی از محققان. بیروت: دارالإحياء التراث العربی.
- مجیدی، حسن (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (علیه السلام)». مجله فرهنگ رضوی، س ۱، ش ۲، صص: ۴۰-۹.
- مفید، محمدبن محمد (بی تا). الإرشاد. مترجم: سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: اسلامیه.
- نجاشی، احمدبن علی (۱۴۰۷ق). رجال. قم: انتشارات جامعه مدرسین.